سوءقصد رژیم‌صهیونیستی به تیم رسانه‌ای العالم

نظامیان رژیم‌صهیونیستی در جریان پوشش خبری جنایات این رژیم توسط تیم رسانه‌ای شبکه العالم به همراه جمعی از اصحاب رسانه‌های داخلی و خارجی، در شهرک آدوس، واقع در شهر بعلبک، در شرق لبنان، منطقه‌ای در فاصله کمتر از ۵۰۰ متری، محل استقرارشان را هدف قرار دادند. خبرنگار شبکه خبری العالم در لبنان با اشاره به این‌که شهر بعلبک شاهد ویرانی‌های گسترده است، گزارش داد: نظامیان اشغالگر بیش از ۱۰ ساختمان مسکونی را به‌طور کامل ویران کرده‌اند. خبرنگار العالم با بیان این‌که در حین پوشش خبری صدای مهیب اصابت موشک‌ها و پرواز پهپادهای رژیم صهیونیستی را در نزدیکی خود به‌وضوح شنیده که به کمتر از ۵۰۰ متری محل استقرار آنها حمله کردند، افزود: مسئولان امنیتی از تیم خبری العالم خواستند سریعا منطقه را تخلیه کنند. شایان ذکر است که این منطقه مسکونی از شب گذشته تاکنون شاهد حملات هوایی فراوانی بوده و این حملات در حالی صورت گرفته که کشاورزان زیادی هنگام بمباران هوایی رژیم‌صهیونیستی در زمین‌های خود مشغول به کار بودند. خبرنگار العالم با اشاره به این موضوع که نیروهای اشغالگر رژیم، شب گذشته یک انبار مواد غذایی و یک پمپ بنزین را هدف قرار دادند، تصریح کرد که نیروهای اشغالگر به‌عمد تمامی زیرساخت‌های مناطق مختلف لبنان به‌ویژه منطقه بقاع در شرق لبنان را بمباران می‌کنند.

جام جم
رسانه
MEDIA
۷
چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۳ شماره ۶۸۷۶

طوبی؛ روایت زن قهرمان ایرانی

سریال پربیننده شبکه یک سیما که پخش آن به پایان رسید، یکی از مجموعه‌هایی بود که در دوره جدید براساس اقتباس از یک رمان ساخته شد و بار دیگر ثابت کرد اقتباس و قصه خوب می‌تواند مسیر جدیدی در سریال‌سازی رسانه ملی بازکند؛ مسیری که مخاطب پایدار صدا و سیما را بیش از پیش افزایش می‌دهد

سپیده اشرفی
گروه رسانه

رنج و سرگشتگی طوبی بعد از ۵۴ قسمت به پایان رسید، تا وقتی اسم این مجموعه می‌آید، برای مخاطبان پیاده‌روی‌ها و تلخی و زیست پنهانی او تداعی شود. طوبی طی تمام این قسمت‌ها از سادگی و غرور دخترانه، به پختگی زنی رسید که در نهایت می‌پذیرد جمع‌کردن خانواده در یک‌جا، کار او نیست و باید دل به تقدیر بسپارد. نقطه اوج رسیدن او، زمانی است که از سرفه‌های پیاپی از پا درمی‌آید و دل به طریق عشق می‌سپارد. سریال طوبی که برداشتی آزاد از کتاب اربعین طوبی به قلم محسن امامیان است، توانسته با کارگردانی سعید سلطانی و نویسندگی سیدحسین امیرجهانی، روایت را برای مخاطب تلویزیون مناسب‌سازی کند.

کلیت روایت طوبی مثل کتاب است، اما تغییراتی در قصه اتفاق افتاده تا مخاطب تلویزیون بهتر بتواند با آن ارتباط برقرار کند.

شبنم قربانی به واسطه چهره ساده و باورپذیری که دارد، روایت زندگی طوبی را برای مخاطب باورپذیرتر کرده است. در مجموعه طوبی، تنها با یک قهرمان روبه‌رو نیستیم؛ چراکه آنیه، سیمین خاتون و هرکدام از زنانی که در این سریال روایت شده‌اند، یک قهرمان هستند و قابلیت روایت بیشتر را دارند. اما طوبی خط اتصال روایت‌هاست و بلوغ او را می‌توان در ۵۴ قسمت مشاهده کرد. او از خامی و سرکشی یک دختر ساده به بلوغ زنی می‌رسد که انگار هفت شهر عشق را در عمر خود طی می‌کند.

ساده مثل دختری عاشق خانواده

طوبی در ابتدای راه، دختری سرکش است که حتی کنایه و متلک‌های خیابانی را برنمی‌تابد. محکم پشت دوخواهر و خانواده‌اش می‌ایستد تا بتواند خانواده را سرپا نگه دارد. به‌مرور انگار، تیغ روزگار آرام‌آرام تن و روان او را می‌زند تا شکل بگیرد و روحی آرام‌تر و صبورتری برایش بسازد. طوبی در این دوران و در اوج جوانی، ناچار به مهاجرت می‌شود، اما با این حال، ازدواج می‌کند تا شاید بتواند خانواده دیگری برای خود بسازد؛ خانواده‌ای که این بار در مسیر روزگار تکه‌پاره نشود، اما روزگار هم، روی دیگر خود را به او نشان می‌دهد؛ یکی از پسرهایش گم می‌شود و مسیر خانواده‌شان باز هم تغییر می‌کند. دست حوادث انگار از سر زندگی طوبی کوتاه نمی‌شود. فخرالدین همسرش کشته می‌شود و پسر دیگرش به‌اجبار به جنگ رژیم بعث با ایران برده می‌شود. همه اینها باعث می‌شود تا ورود طوبی به میانسالی با رنج و غمی همراه شود که خودش اختیاری برای کنار زدنش ندارد، اما باز هم تلاش می‌کند تا خواهرش را از رنج خانه‌ای که در آن گرفتار شده، نجات دهد. طوبی گره‌های یک قهرمان را در شخصیت خود دارد و هیچ‌وقت آرام نمی‌نشیند. کما این‌که وقتی تنها می‌ماند و از همسرش خبری نیست، با وجود این‌که به مادرش گفته بود از خیاطی متنفر است، دست به چرخ می‌برد تا به قول خودش محتاج دیگران نباشد. سر از زندان صدام درمی‌آورد، اما باز هم به خواهرش که با او زندانی شده، امید می‌دهد. طوبی به همین شیوه قهرمانی زنان در دل تاریخ را روایت می‌کند.

کلیت روایت طوبی مثل کتاب است، اما تغییراتی دارد تا مخاطب تلویزیون بهتر بتواند با آن ارتباط برقرار کند. چهره ساده شبنم قربانی توانسته روایت زندگی طوبی را باورپذیرتر کند

مادری چشم‌انتظار

میانسالی طوبی و گریم او با دقت انجام شد تا مخاطب راحت‌تر بتواند با آن همراه شود. سال‌ها زندگی پنهانی طوبی به همراه خواهر و خواهرزاده‌اش و تلاش برای دور شدن از هر رگ و ریشه‌ای که آنها را به حزب بعث متصل کند، محور اصلی این دوره از زندگی اوست. طوبی در میانسالی، باز هم به پیاده‌روی اربعینش ادامه می‌دهد. دلش پیش عماد پسر گمشده‌اش مانده و تلاش می‌کند نشانی از او پیدا کند. هنوز هم به طریق به چشم نقطه اتصال به خواسته‌اش نگاه می‌کند. هنوز ناامید نشده تا روحش تسلیم شود. او در نهایت به دست یکی از پسرانش که به جنگ رفته بود، از زندان بعث آزاد می‌شود تا بعد از سال‌ها بتواند در هوایی تنفس کند که خبری از خصومت دار و دسته صدام نیست.

در نقطه تسلیم

طوبی با رسیدن به ابتدای سالمندی و در آستانه ۶۰ سالگی، همه‌چیزش را از دست داده است. دوباره به ایران بازگشته، اما در عمل، آرزوی پدرش را پیش نبرده تا خانواده را دورهم جمع کند. پسر گمشده‌اش هنوز هم پیدا نشده، خواهر کوچک‌ترش هم رد و نشانی از خود نگذاشته تا بعد از کوچ اجباری در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق بتواند دوباره بازگردد. غم خواهر دیگر و خط به‌خط چین و چروک‌هایش و همه آنچه از دست داده را در یک بقچه جمع کرده و به ایران آمده است. خیلی چیزها را باید دوباره سروسامان دهد، اما همه‌چیز را در یک دیالوگ خلاصه می‌کند تا به خواهرش پریزاد بگوید که نباید احساس قوی‌بودن می‌کرد و تلاش می‌کرد همه را دور هم جمع کند. می‌گوید که فهمیده دست او نیست که خیلی چیزها را حل کند. طوبی در آستانه سالمندی، در نقطه تسلیم قرار می‌گیرد. انگار همه‌چیز را به معشوق می‌سپارد و وقتی برای چهلمین بار پا به طریق امام حسین(ع) می‌گذارد، دیگر خواسته‌ای ندارد. خودش می‌گوید این بار می‌خواهد برای خود صاحب طریق، قدم بردارد. درست در همین نقطه تسلیم است که گره به گره برایش باز می‌شود. خواهرش را پیدا می‌کند و فخرالدین هم به طریق می‌رسد. فارغ از پایان‌بندی مجموعه، طوبی توانسته در سه دوره از زندگی خود، طی‌طریق و سلوکی عارفانه داشته باشد. بارها به همسرش گفته بود که نجف خانه‌شان است و هر بار کم می‌آورد، دل به همان‌جا می‌سپرد. او در میانسالی در همان‌جا شیمیایی می‌شود تا یادگاری صدام را تا آخر عمر با خود داشته باشد. طوبی در این سه مرحله و شاید از نظر مخاطب کمی دیرهنگام، به تسلیم و بلوغ روحی می‌رسد. انگار همین‌قدر هم دیرهنگام می‌تواند از زندان حوادث جان سالم به در ببرد و خود را به ایران برساند تا در نهایت تسلیم روزگار شود.

زاویه دید

این دو زن

برای همه آنهایی که در کل قسمت‌های سریال طوبی، پای قصه و سرنوشت تک‌به‌تک شخصیت‌ها نشستند، دو زن دیگر هم در پیش‌بردن قصه موثر بودند و به‌مرور با مخاطب آشناتر شدند. اولین زن، سیمین‌خاتون است که در قواره یک زن قوی و مذهبی ظاهر شده که تمام زندگی‌اش را صبورانه طی کرده و در نهایت به دست سربازان صدام شهید می‌شود. سیمین با بازی فریبا متخصص، عمود خانواده فخرالدین شده تا هر چیزی در جای خود قرار گیرد. از همان ابتدا دست طوبی را گرفته تا این جوان تازه هجرت‌کرده، خم به ابرو نیاورد و بتواند با خاک تازه اخت بگیرد. سیمین در شکل‌گرفتن اعتمادبه‌نفس طوبی نقش موثری دارد و زمانی که شهید می‌شود، مسیرش را به دست طوبی می‌سپارد. آنیه زن دیگر اثرگذار در این مجموعه است. این کاراکتر با بازی سودابه بیضایی، در ادامه شخصیت‌پردازی‌های این مجموعه، نوع دیگری از عاشقی را به رخ مخاطب می‌کشد. او عاشقی بی‌سرانجام اما قاطع است. به خاطر فخرالدین خودش را فدا می‌کند و زندانی را برای خود می‌سازد که تا میانسالی‌اش ادامه دارد. او در قسمت‌های آخر وقتی فخرالدین را می‌بیند، انگار دوباره عشقش با اشک می‌جوشد و روی صورتش می‌ریزد. آنیه از یک طرف خواهر یکی از سرهنگ‌های حزب بعث بوده و نمی‌خواسته پشت برادرش را خالی کند و از طرف دیگر، مخالف ورود پسران خانواده به حزب بود. او با وجود قاطعیت، کاری نمی‌توانست از پیش ببرد و به سرنوشت سیمین دچار می‌شود. پسران طوبی و فخرالدین را پسران خود می‌دانست و به همان شیوه از آنها دور می‌شد.

شاید در سکانس معروفی که آنیه، سیمین را از عمارت بیرون می‌کند، مخاطب از سکوت سیمین کلافه شود، اما در نهایت وقتی به جبر حوادث، آنیه هم از پسرخوانده‌اش دور می‌شود، بهتر می‌تواند کلام کنایه‌آمیزی را که به سیمین گفته بود، بفهمد. نقطه تمایز سریال طوبی با دیگر درام‌های مشابه، طبیعی‌بودن روند حوادث است. انگار نویسنده و کارگردان اصراری به نشان‌دادن مجازات تلخی و بی‌عدالتی‌ها ندارند. کما این‌که در یک دیالوگ از زبان طوبی با این مضمون گفته می‌شود که اگر قرار بود عدالت رعایت شود، خیلی چیزها متفاوت بود.

نیره رضایی‌مطلق | روزنامه‌نگار

معما و هیجان در محدوده نوار زرد

سریال پلیسی «نوار زرد۲» از شبکه آی‌فیلم پخش می‌شود

مجموعه‌های حادثه‌ای و پلیسی از آن دست آثار جذابی هستند که مخاطبان تلویزیون از تماشایشان لذت می‌برند. این گونه نمایشی معمولا در مثلث جرم، کشف جرم و یک کارآگاه جسور و هوشمند که قهرمان و پیش‌برنده داستان است، تعریف می‌شود. تعریف درست از هریک از اینها، می‌تواند پایه‌های اصلی و شالوده یک اثر جنایی و معمایی را ترسیم کرده، لذت همراهی با کشف و رمزگشایی از جرم یا جنایت را به مخاطبان ارائه بدهد. فصل دوم سریال نوار زرد در ۳۰ قسمت با تمرکز بر زندگی کاوه کیهان که یک سرگرد پلیس آگاهی است، سراغ پرونده‌های مختلف جنایی رفته است. این سریال که در ادامه فصل یک تولید شده هم در انتخاب عوامل و هم روایت داستانی با فصل پیشین‌اش متفاوت است و فصل دوم از این اثر با کارگردان و بازیگران متفاوتی تولید شده‌است. این فصل به‌کارگردانی سروش محمدزاده و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی به‌صورت اپیزودیک طراحی شده، در هر دو یا سه قسمت به یکسری از پرونده‌ها می‌پردازد که این پرونده‌ها درهم ادغام می‌شوند؛ بیننده در آن واحد، دو یا سه پرونده را دنبال می‌کند که وقتی یکی حل می‌شود، دیگری تازه شروع می‌شود. درعین‌حال، مانند فصل اول، یک خط اصلی داستان وجود دارد که روایت‌کننده زندگی کاری سرگرد کاوه کیهان و همکارانش است و مخاطب با زندگی کاوه کیهان که خط اصلی داستان است همراه می‌شود.

کاوه کیهان، سرگرد اداره آگاهی که مردی میانسال و مجرد است در کنار حل‌وفصل پرونده‌هایی که به دایره‌اش ارجاع می‌شود با چالش دیگری هم در زندگی شخصی خود روبه‌روست. این همان خط سیر غیراپیزودیک داستان است که در تمام طول قصه با داستانک‌های فرعی مربوط به حل پرونده‌های جنایی توأم می‌شود. کارگردان تلاش کرده این نوع روایت را که گاهی بیشتر از روایت تمام اپیزودیک مورد پسند مخاطب ایرانی قرار می‌گیرد را خلاقانه پیش ببرد تا بیننده خط اصلی داستان از دستش در نرود و امکان برقراری ارتباط همزمان با هردو دستمایه داستانی برایش فراهم شود. دشواری تولید سریال‌های پلیسی و اکشن در شکل‌گیری درست قصه‌ای رازآلود و جنایی است که باید با هیجان و تعلیق آمیخته شود. درگونه پلیسی که از پایه گونه‌ای پیچیده‌تر در مقایسه با سایر گونه‌ها به حساب می‌آید، انتخاب سوژه‌ها باید دقیق، خلاقانه باشد تا مخاطبی که دیدن انواع سریال‌های پلیسی را از سرگذرانده به دیدن این اثر ترغیب شود؛ اتفاقی که در فصل دوم به نسبت فصل اول رخ داده است. انتخاب بانیپال شومون، بازیگر نقش سرگرد کاوه کیهان که امیر آقایی در فصل اول نقش آن را برعهده داشت، به‌دلیل جدیتی که در صورت شومون است، انتخاب درستی است. او درکنار دستیارش زنده‌یاد حسام محمودی، پرونده‌ها را باجدیت دنبال می‌کند، ضمن این‌که محمودی تلاش کرده فضای رفاقت بین دو پلیس که مافوق و دستیار هستند و در کنار آن روابط دوستانه‌ای دارند و رفیق یکدیگر نیز هستند را به‌درستی به نمایش بگذارد. هرچند فصل دوم سریال می‌توانست در پردازش قصه‌ها قوی‌تر از این باشد اما یکی از نکات مثبت سریال تصویر جدیدی از پلیس است که کارگردان و نویسنده برای مخاطب ارائه می‌دهند. این نکته که سرگردی نیز مانند هر شهروند دیگری دارای مشکلات بسیاری در زندگی‌اش است می‌تواند بخشی از جذابیت خرده‌قصه‌های متعدد سریال باشد تا مخاطب ضمن لذت‌بردن از تعقیب‌وگریز و تعلیق در این قصه پلیسی با دغدغه‌ها و دنیای ذهنی یک پلیس هم آشنا شود.

سعید شریف در «رویای نیمه‌شب»

جدیدترین تصویر از سریال «رویای نیمه‌شب» به کارگردانی حسن آخوندپور و تهیه‌کنندگی سعیدسعدی با معرفی سعید شریف در نقش فتاح منتشر شد.

سریال «رویای نیمه‌شب» به‌نویسندگی سیدحسین امیرجهانی، محصول سازمان هنری‌رسانه‌ای اوج است که اقتباسی آزاد از رمان مطرح «رویای نیمه‌شب» نوشته مظفر سالاری است. سعید شریف پیش‌از این، در سریال «عشق کوفی» که محرم سال گذشته از شبکه سه سیما پخش شد، ایفای نقش کرده‌بود. این بازیگر در سریال قبلی خود نقش هلال را بازی کرد. در این سریال، بازیگرانی همچون حسن معجونی، مه‌لقا باقری، محسن قصابیان، بهاره افشاری و... به ایفای نقش پرداخته‌اند. سریال قبلی آخوندپور درمقام کارگردان، عشق کوفی بود که در آن اثر نیز با سعید سعدی (تهیه‌کننده) همکاری داشت. از سیدحسین امیرجهانی (نویسنده) نیز پخش سریال طوبی به‌تازگی از شبکه یک سیما به پایان رسید. در معرفی کتاب رویای نیمه‌شب به قلم سالاری آمده است: رویای نیمه‌شب، رویایی است از جنس عشق که در فضای مذهبی شهر حله در عراق که زمانی جایگاه حوزه علمیه شیعه و زادگاه مجتهدان بسیاری بوده، جریان دارد.

نقش رادیوجوان در توسعه پادکست فارسی

فرزاد حسنی، سفیر پادکست فارسی در آیین گشایش دومین رویداد ملی پادکست فارسی که با حضور وحید اسدی، دبیر این رویداد و مدیر شبکه رادیویی جوان، هیات داوران و اصحاب رسانه برگزار شد، گفت: پادکست‌ها باید به‌صورت پیوسته و ادامه‌دار تولید شوند، نه به‌صورت تک‌برنامه‌ای.

هنوز به‌طور کامل مشخص نیست که پادکست‌ها چه تفاوتی با برنامه‌سازی رادیویی دارند. درحال‌حاضر، مردم به‌جای گوش‌دادن به موسیقی در خودروها، به پادکست‌ها روی آورده‌اند. او به نقش رادیوجوان در آشنایی با پادکست‌ها اشاره کرد و گفت: رادیوجوان در این زمینه بسیار کمک‌کننده است. با این حال، با همت و تفکر شما پادکسترها، باید تلاش کنیم تا دنیایی از پادکست‌های باکیفیت تولید کنیم که نه‌تنها اثرگذار باشد، بلکه امکان درآمدزایی را نیز فراهم آورد.

وحید اسدی، دبیر این رویداد هم بیان کرد: بسیار خوشحالم که بار دیگر دور هم جمع شده‌ایم و با هم‌افزایی می‌توانیم اتفاقات خوبی را رقم بزنیم.

متن کامل

زبر و زرنگ

مریم فلاح: «زبر و زرنگ» ماجرای گنجشک کوچولویی است که در لانه لک‌لک زندگی می‌کرد و به همین جهت این همسایه بی‌آزار بهترین دوست او شده بود؛ آنها مرتبا نظرات خود را در مورد چالش‌های روزمره پرندگان و ماجراجویی‌های متعدد حیوانات جنگل ردوبدل می‌کردند. تقریبا در هر قسمت، گنجشک با گونه‌های مختلف پرنده‌ها از جمله زاغ و کبوتر و در کنار آن حیواناتی مانند موش، خرگوش، شبگرد، خرس و مرغ‌آتش آشنا می‌شد که این موضوع باعث شده بود به بهانه تماشای ماجراهای گنجشک، دانش مخاطبان کودک نسبت به پرندگان لهستانی بیشتر شود. یکی از ماجراها از این قرار بود که در فصل مهاجرت لک‌لک‌ها به مناطق گرمسیر، لک‌لکی بود که قصد نداشت از پدرش پرواز را یاد بگیرد و با این‌که تقریبا بالغ شده بود همچنان انتظار داشت غذایش را والدینش تهیه کنند.

کیوآرکد را اسکن کنید